

بررسی فضایل امام علی (ع) در قصاید "علویات سبع" ابن ابی الحدید با استناد به روایات

*دکتر سید محسن هاشمی

چکیده

ابن ابی الحدید، شارح معروف نهج البلاغه، هفت قصیده سروده که بیشتر ابیاتی در مدح امام علی (ع) و ذکر فضایل ایشان است. این قصاید مجموعاً به نام "علویات سبع" مشهور است. نامبرده با توجه به آیات و روایات، اقدام به ذکر برخی از فضایل امام علی (ع) در قالب شعر نموده است. برخی از ابیات "علویات سبع" که به این فضایل اشاره می نماید همراه با ترجمه بیت، شرح روایی، و ذکر روایات مربوطه، در این مقاله گنجانده شده است.

واژه های کلیدی: امام علی (ع)، فضایل، ابن ابی الحدید، علویات.

* دانش آموخته مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۵/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱/۲۴

مقدمه

ابن ابی الحدید عالم، متکلم، ادیب، مورخ و شارح معروف نهج البلاغه است. او در دوره عباسی (۶۵۶-۵۸۶ ق) می زیسته. با این که يك عالم معتزلی بوده، چنان در ستایش امام علی بن ابی طالب (ع) به ذکر فضایل و برتری وی بر دیگران پرداخته که برخی با تشکیک در مذهب وی، او را شیعی پنداشته اند؛ در حالی که خود، معتزلی بودنش را چنین اظهار نموده:

وَرَأَيْتُ دِينَ الْإِعْتِزَالِ وَإِنِّي
أَهْوَى لِأَجْلِكَ كُلِّ مَنْ يَنْشَعُ

یعنی: من به مذهب اعتزال معتقدم ولی (ای علی) به خاطر تو هرکس را که شیعه تو باشد دوست می دارم.
(قصیده ششم از علویات سبع).

ابن ابی الحدید هفت قصیده غزاء سروده است که به "علویات سبع" مشهور است. بیشتر این قصاید در مدح امام علی بن ابی طالب (ع) می باشد. ابن ابی الحدید کسی است که ذکر فضایل امام علی (ع) را مانند بیان نمودن روشنایی روز دانسته و او را همان مردی می داند که دشمنانش هم به فضل او اقرار کرده اند و نتوانسته اند مناقبش را انکار و فضائلش را کتمان کنند، و او را همان کسی دانسته که لعنتش بر منابر و حیلله های بنی امیه، جز بر عظمت و رفعت او نیفزوده است. او را بسان خورشیدی می خواند که با کف دست پوشیده نشود و همچون روشنایی روز دانسته که اگر چشمی آن را ندید، دیدگان زیادی آن را می بینند. او معتقد است که امام علی (ع) همان سرچشمه فضایل است که هرکس بعد از او فضیلتی یافته، فضیلتش را از او گرفته و پیرو او می شود؛ و متذکر شده که اگر ویژگیهای اخلاقی و فضایل روحی و نفسانی و دینی آن حضرت بررسی گردد، معلوم می شود که او به بالاترین نقطه اوج کمالات رسیده است. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ۱/۱۶).

ابن ابی الحدید بخشی از ارادت خود به امیر مؤمنان را در قصاید علویات سبع خود به زیبایی نشان داده است. در این مقاله ابیاتی از علویات سبع که هرکدام به فضیلتی از امام علی (ع) اشاره می نماید، انتخاب شده و ابتدا بیت مورد نظر و ترجمه آن و سپس شرح مختصری از فضیلت مشهود در بیت، با استناد به روایات اهل بیت (ع) آورده شده است.

۱- بی شمار بودن فضایل امام علی (ع)

وَشَاهَدَ مَرَّةً أَجَلًا عَنْ أَنْ يَحْدَهُ
مِنْ الْقَوْمِ نَظْمٌ فِي الصَّحَائِفِ مَكْتُوبٌ

ترجمه: مردی را دید که فراتر از آن است که نوشته های منظوم در کتب دیگران، بتواند برای او حد و مرزی قرار دهد.

تَعَالَيْتَ عَنْ مَدْحٍ فَأَبْلَغُ خَاطِبٍ بِمَدْحِكَ بَيْنَ النَّاسِ أَقْصَرُ قَاصِرٍ

ترجمه: (ای علی!) تو فراتر از ستایشی؛ و زبان آورترین سخنور در میان مردم، در ستودن تو ناتوان ترین آنهاست.

این ابیات بر بی شمار بودن فضایل امام علی (ع) دلالت دارد. ابن ابی الحدید خود در این باره چنین می گوید: "من درباره مردی که دشمنانش به فضیلتش اقرار نموده اند و نتوانستند مناقبش را انکار و فضایلش را کتمان کنند، چه بگویم؟ تو نیک می دانی که بنی امیه بر شرق و غرب جهان اسلام مسلط شده و به هر حيله ای برای خاموش کردن نور او متوسل شدند و مردم را علیه او تشویق و تحریک نمودند و برای او معایب و بدیهایی تراشیدند و او را بر همه منبرها مورد لعن قرار دادند و نه تنها کسانی را که تعریفش می کردند مورد تهدید قرار می دادند، بلکه آنها را زندانی کرده و می کشتند، و از نقل هر روایتی که دربردارنده فضیلتی برای او بود یا او را به عظمت و بزرگی یاد می کرد منع کردند، و حتی مانع این شدند که کسی نام او را بر (فرزند) خود نهد. اما همه اینها جز اینکه بر عظمت و رفعت او بیفزاید، نتیجه دیگری نداشت. او همچون مشک می ماند که هر چه او را بپوشانند بوی خوشش انتشار می یابد، و چون خورشیدی است که با کف دست پوشیده نمی شود، و چون روشنایی روز است که اگر چشمی آن را ندید، چشمهای زیادی آن را می بیند.

و من چه بگویم درباره مردی که هر فضیلتی به او نسبت داده می شود و هر فرقه ای به او منتهی می گردد و هر طایفه ای او را به خود منسوب می کند؟ پس او رئیس همه فضایل و سرچشمه آن و اول متصف به آن و پیشرو و پیشی گیرنده در آنهاست، و هر کس که بعد از او فضیلتی یافت از او آن را گرفت و پیرو او شد و دنباله رو او بود." (همان، ۱۶-۱۷/۱)

ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا فرمودند: "لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ أَقْلَامَ وَالْبِحَارَ مِدَادٌ وَالْجَنِّ حُسَابٌ وَالْإِنْسَ كُتَّابٌ، مَا قَدَرُوا عَلَى إِحْصَاءِ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ".

یعنی: اگر درختان جنگلها قلم، و آب دریاها مرکب، و گروه جن شمارنده، و انسانها نویسنده باشند، نمی توانند فضیلت های علی بن ابی طالب (ع) را بشمارند. (ابن شاذان، ۱۴۲۲ق، ۱۵۹)

در روایت دیگری آمده است که پیامبر (ص) فرمودند: "إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلًا لَا يُحْصِي عَدَدَهَا غَيْرُهُ".

یعنی: خداوند برای برادرم علی بن ابی طالب (ع)، فضیلت هایی قرار داده است که کسی جز خود او نمی تواند آنها را بشمارد. (صدوق، الأمالی، ۱۳۸۴ش، ۲۲۱).

۲- يك روح در دو بدن (حدیث نور)

الجَوهَرُ النَّبَوِيُّ لَا أَعْمَالُهُ مَلَقٌ وَلَا تَوْحِيدُهُ إِشْرَاكٌ

ترجمه: علی (ع) سرشته از گوهر نبوی است. نه در کارهایش دو رویی و تملق رخنه دارد و نه یگانه پرستی اش آلوده به شرک است.

هُوَ النَّبِيُّ الْمَكْنُونُ وَالْجَوهَرُ الَّذِي تَجَسَّدَ مِنْ نُورٍ مِنَ الْقُدْسِ زَاهِرٍ

ترجمه: او خبر پوشیده و گوهری است که جسمش از نوری مقدس و درخشان تشکیل شده است. این ابیات به حدیثی از حضرت رسول اکرم (ص) اشاره دارد که فرمودند: "إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي، وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي".

یعنی: علی از من است و من از علی هستم؛ و او صاحب اختیار و پیشوای هر مؤمنی پس از من است. (نسائی، ۴۱۹ق، ۱۴۳)

در روایت دیگری پیامبر اکرم (ص) فرمود: "يا علي؛ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُجِبُّنِي وَيُبْغِضُكَ؛ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ".

یعنی: ای علی؛ دروغ گفته آن کس که گمان کرده مرا دوست می دارد و در عین حال، تو را دشمن می دارد؛ خدای متعال من و تو را از يك نور آفریده است. (کراچی، ۴۲۷ق، ۴۸)

و عثمان از پیامبر اکرم (ص) روایت نموده که فرمود: "خُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بَارِبَعَةَ أَلْفِ عَامٍ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ رَكَّبَ ذَلِكَ النُّورَ فِي صُلْبِهِ، فَلَمْ يَزَلْ شَيْئاً وَاحِداً حَتَّى افْتَرَقْنَا فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ. فَفِي النُّبُوَّةِ وَفِي عَلِيِّ الوَصِيَّةِ".

یعنی: من و علی چهار هزار سال قبل از آن که خدا آدم را بیافریند، هر دو از يك نور آفریده شدیم. هنگامی که خدا آدم را آفرید، این نور به صلب او منتقل شد و دائماً یکی بود تا این که در صلب عبد المطلب از هم جدا شدیم؛ به این صورت که نبوت در من است و وصایت در علی". (قندوزی، ۴۲۲ق، ۲، ۳۰۷)

امام علی (ع) نیز در روایتی به همین مضمون فرمودند: "یا سلمان ویا جندب: کنتُ ومحمداً نوراً نُسبُحُ قبلَ المُسبَّحاتِ، ونُشْرِقُ قبلَ المخلوقاتِ، فقسَمَ اللهُ ذلكَ النورَ الی نصفین: نبیِّ مصطفی، ووصیِّ مرتضی، فقالَ اللهُ عزَّ وجلَّ لِذلكَ النصفِ: کُنْ محمداً، ولِالأخر: کُنْ علیاً؛ ولِذلكَ قالَ النبیُّ (ص): أَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ مِنِّي...".

یعنی: ای سلمان وای جندب: من و محمد (ص) نوری بودیم که قبل از تمامی تسبیح گویان، به تسبیح خدا مشغول بودیم و قبل از مخلوقات می تابیدیم. آنگاه خدا آن نور را به دو نیمه تقسیم نمود: پیامبر مصطفی، ووصی او علی مرتضی. آنگاه خداوند به آن نیمه فرمود: محمد باش، و به نیمه دیگر فرمود علی باش. و به همین جهت است که پیامبر فرموده: من از علی هستم و علی از من است... (بُرسی، ۴۲۷، ق، ۲۵۶)

لازم به ذکر است که این مطلب، اشاره ای است به آیه کریمه "وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ" (آل عمران، ۶۱) و این آیه نیز بیانگر اتحاد و یکپارچگی آن دو حضرت در عالم انوار می باشد.

۳- برتری امام علی (ع) بر انبیاء (ع)

فَمَا مَسَّ مَوْسَى فِي رِءَاءِ مِنَ الْعُلَى وَلَا أَبَ ذِكْرًا بَعْدَ ذِكْرِكَ أَيُّوبَ

مفهوم بیت: موسی (ع) در برابر تو، قادر به خرامیدن در جامه برتری نشد، و شکیبایی ایوب، پس از شکیبایی تو قابل ذکر نیست.

در این بیت به برتری امام علی (ع) نسبت به پیامبران حتی پیامبران اولوالعزم از جمله حضرت موسی (ع) تصریح شده است؛ همچنانکه جابر از پیامبر اکرم (ص) چنین روایت کرده است: قال رسول الله (ص) مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِسْرَافِيلَ فِي هَيْبَتِهِ، وَإِلَى مِيكَائِيلَ فِي رُتْبَتِهِ، وَإِلَى جِبْرَائِيلَ فِي جَلَالَتِهِ، وَإِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَإِلَى نُوحٍ فِي خَشْيَتِهِ، وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خُلَّتِهِ، وَإِلَى يَعْقُوبَ فِي حُزْنِهِ، وَإِلَى يُوسُفَ فِي جَمَالِهِ، وَإِلَى مُوسَى فِي مَنَاجَاتِهِ، وَإِلَى أَيُّوبَ فِي صَبْرِهِ، وَإِلَى يَحْيَى فِي زُهْدِهِ، وَإِلَى عِيسَى فِي عِبَادَتِهِ، وَإِلَى يُونُسَ فِي وَرَعِهِ، وَإِلَى مُحَمَّدٍ فِي حَسَبِهِ وَنَسَبِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ؛ فَإِنَّ فِيهِ تَسْعِينَ خِصْلَةً مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ جَمَعَهَا اللهُ فِيهِ وَلَمْ يَجْمَعْهَا أَحَدٌ غَيْرُهُ".

یعنی: هرکس بخواهد به هیبت اسرافیل، و به مقام و جایگاه میکائیل، و شکوه جبرئیل و دانش آدم و بیم و خشیت نوح و دوستی خالصانه ابراهیم و اندوه یعقوب و زیبایی یوسف و مناجات موسی و صبر ایوب و پارسایی یحیی و عبادت عیسی و پرهیزکاری یونس و شرافت و بزرگواری و نسب محمد بنگرد، باید به علی بن ابی طالب نگاه کند؛ زیرا وی نود خصلت از ویژگیهای پیامبران را دارد و خداوند آنها را در وجود وی نهاده و کسی جز او جامع این صفات و ویژگیها نیست". (قندوزی، ۴۲۲، ق، ۲ / ۳۶۰)

هنگامی که صعصعه به امام علی (ع) عرض کرد: مرا خبر دهید شما برترید یا آدم (ع)؟ امام در پاسخ به سؤال وی، دلایل برتری خویش از پیامبران اولوالعزم را چنین بیان فرمودند: ای صعصعه؛ زشت است که مردی از خودش تعریف کند، و اگر این سخن خدا نبود، (نعمت های خدا داده به خود را نقل کن) ، پاسخ نمی دادم. ای صعصعه؛ من برتر از حضرت آدم هستم؛ زیرا خدای متعال برای حضرت آدم همه نوع خوردنی های پاک و وسایل رحمت و راحتی و نعمت را در بهشت فراهم کرد و او را فقط از خوردن گندم منع کرد و او از دستور پروردگارش سرپیچی کرد و از آن خورد. ولی خداوند مرا از خوردنی های پاک و از خوردن گندم منع نکرد و من (چون دنیا را قابل توجه نمی دانستم) به میل و اراده خود از گندم نخوردم.

صعصعه عرض کرد: شما برترید یا نوح (ع)؟ فرمود: من برترم؛ زیرا نوح را بسیار اذیت کردند و هنگامی که سرسختی و لجابت آنها را دید، ایشان را نفرین کرد و نتوانست آزارشان را تحمل کند و فرمود: (پروردگارا بر روی زمین احدی از کافران را زنده مگذار)، اما من پس از خاتم الأنبياء (ص) با آن همه صدمات و ستم ها و اذیت های فراوانی که از این امت دیدم، درباره آن ها نفرین نکردم و کاملاً صبر نمودم (چنان که در ضمن خطبه سوم نهج البلاغه، معروف به خطبه شفشقیه فرمود: "صَبَرْتُ فِي الْعَيْنِ قَدَيٌّ وَفِي الْخَلْقِ شَجِيٌّ" یعنی: صبر نمودم در حالی که در چشمانم خار و خاشاک بود و استخوانی در گلو داشتم).

صعصعه عرض کرد: شما برترید یا ابراهیم؟ فرمود: من برترم؛ زیرا ابراهیم به درگاه الهی عرض کرد: (پروردگارا به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خداوند فرمود: آیا باور نداری؟ عرض کرد: آری باور دارم؛ اما می خواهم با مشاهده آن، دلم آرام گیرد) ولی ایمان من به جایی رسیده که گفتم و می گویم: اگر پرده ها و حجاب ها کنار رود، یقین من زیادتر خواهد شد.

عرض کرد: شما برترید یا موسی؟ فرمود: من برترم؛ زیرا وقتی خدای متعال او را مأمور کرد که برای دعوت فرعون به مصر برود، عرض کرد: (پروردگارا من از آنها (فرعونیان) يك نفر را کشته ام و می ترسم (که به خونخواهی و کینه دیرینه) مرا به قتل برسانند (با این حال اگر از رسالت ناگریزم) برادرم هارون را که زبانش از من فصیح تر است، همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند. می ترسم مرا تکذیب کنند) اما وقتی رسول اکرم (ص) از جانب خدا مأمورم کرد که آیات اول سوره براءت را بر مشرکان مگه قرائت نمایم، با آن که بسیاری از مردان و بزرگان و سرشناس های آنها را کشته بودم، بدون توجه به این امر و بی واهمه، به تنهایی برای انجام مأموریت شتافتم و در میان جماعت آنها ایستادم و با صدای بلند آیات سوره براءت را بر آنان خواندم و ایشان گوش می دادند.

صعصعه عرض کرد شما برترید یا عیسی؟ فرمود: من برترم؛ زیرا هنگامی که مریم می خواست عیسی (ع) را بزاید، در بیت المقدس بود؛ بر او ندا آمد که ای مریم از این سرا بیرون شو زیرا این خانه محل عبادت است نه زایشگاه. لذا از بیت المقدس بیرون رفت (وآنگاه درد زایمان، او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند) اما مادرم فاطمه بنت اسد را هنگامی که درد زایمان گرفت، به مسجد الحرام آمد و به کعبه متمسک گردید و از خدا خواست که زایمان را بر وی آسان کند. آنگاه دیوار کعبه شکافت و ندایی را شنید که می گفت: ای فاطمه داخل شو. وی نیز داخل کعبه رفت و دیوار به حالت اولیه بازگشت و او مرا در حرم الهی و خانه خدا به دنیا آورد. (قراچه داغی، ۴۲۴ اق، ۲۲۱-۲۲۰ به نقل از الأنوار النعمانية ۲۷/۱)

۴- معجزه ردّ الشمس (بازگشتن خورشید به خاطر امام علی)

يَا مَنْ لَهُ رُدَّتْ دُكَاؤُهُ وَلَمْ يَفُزْ بِنَظِيرِهَا مِنْ قَبْلُ إِلَّا يَوْشَعُ

ترجمه: ای کسی که خورشید به خاطر تو بازگردانده شده و قبل از تو کسی جز یوشع (ع) به فضیلتی شبیه این فضیلت دست نیافته است.

إِمَامٌ هُدِيَ بِالْقُرْصِ أَنْرَ فَأَقْتَضَى لَهُ الْقُرْصُ رُدَّ الْقُرْصُ أَبْيَضَ أَزْهَرَا

ترجمه: پیشوای هدایتی که از قرص نانش (که برای افطار نگه داشته بود به خاطر رضای خدا) گذشت و قرص خورشید (پس از غروب)، سپید و تابناک به خاطر او بازگشت.

هر دو بیت فوق، به ماجرای ردّ الشمس اشاره دارد، شرح ماجرا به قرار ذیل است: از اسماء بنت عمیس و امّ سلمه همسر پیامبر اکرم (ص) و جابر بن عبد الله انصاری و ابو سعید خدری و تعدادی از صحابه روایت شده که روزی پیامبر اکرم (ص) در منزل خود بود و علی (ع) مقابل ایشان بود. آنگاه جبرئیل نزد پیامبر آمد. پیامبر اکرم در حالی که وحی بر او نازل می شد، سرخود را بر ران علی (ع) تکیه داد و سرش را بر نداشت تا اینکه آفتاب غروب کرد. امیر المؤمنین (ع) نیز به خاطر رعایت حال رسول خدا به ناچار در حالی که نشسته بود به نماز عصر خود مشغول شد و رکوع و سجودش را با اشاره می خواند. هنگامی که پیامبر (ص) از حال شنیدن وحی خارج شد و به خود آمد، به علی (ع) فرمود: "أفأنتك صلاة العصر؟" یعنی: آیا نماز عصر تو فوت شد؟ علی (ع) در جواب فرمود: "ألم أستطع أن أصليها قائماً لمكانك يا رسول الله وأحال التي كنت عليها في استماع الوحي". یعنی: نتوانستم آن را ایستاده بخوانم زیرا شما در حال شنیدن وحی بر ران من تکیه داده بودید. پیامبر فرمود: "أدع الله حتى يرد عليك الشمس لتصلّيها قائماً في وقتها كما فاتتك؛ فإن الله تعالى يجيبك لإطاعتك لله وإرسوله". یعنی: دعا کن

خدا خورشید را برگرداند تا نماز را ایستاده در وقت خود بخوانی؛ و خدای متعال نیز به خاطر اطاعت نمودن تو از خدا و رسولش، دعایت را مستجاب می گرداند. امام علی (ع) نیز دعا کرد خورشید برگردد؛ و خورشید نیز بازگشت و حضرت علی (ع) نماز عصر خود را خواند و سپس خورشید غروب کرد. (مفید، ۱۳۷۷ق، ۱۶۴-۱۶۳)

معجزه ردّ الشمس که برای امام علی (ع) رخ داده، مهم تر و برتر از معجزه رخ داده برای حضرت یوشع (ع) است. زیرا معجزه وی حبس الشمس بود، نه ردّ الشمس، شرح ماجرای حبس الشمس به قرار ذیل است:

یوشع بن نون (ع) از پیامبران بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع) بود. وی به همراه عده ای از بنی اسرائیل پس از محاصره نمودن بیت المقدس و جنگ با مشرکان، وارد بیت المقدس شد، و این فتح و پیروزی، اواخر عصر روز جمعه ای اتفاق افتاد و نزدیک بود که خورشید غروب کند، و در این صورت ایشان نمی توانستند به خاطر تاریکی هوا، جنگ را ادامه دهند. لذا حضرت یوشع به خورشید نگریست و فرمود: تو مأموری و من نیز مأمورم. آنگاه به درگاه الهی عرض کرد: خدایا آن را سر جای خود نگه دار (و نگذار غروب کند). آنگاه خداوند به خاطر وی خورشید را در جای خود محبوس کرد و پس از آنکه حضرت یوشع بیت المقدس را فتح نمود، خورشید غروب کرد. (ابن کثیر، ۴۰۸ق، ۳۱۳/۶)

ماجرای ردّ الشمس مورد توجه بسیاری از علماء واقع شده و حتی برخی از علماء، کتب مستقلی راجع به آن و اثباتش نوشته اند. برای بررسی بیشتر پیرامون معجزه ردّ الشمس می توان به منابع زیر مراجعه نمود: سیوطی، کشف اللبس عن حدیث ردّ الشمس/ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۳۳۴/ خوارزمی، المناقب، ص ۳۰۶-۳۰۷/ قندوزی، ینابیع المودة، ج ۱، ص ۴۱۹-۴۱/ طباطبائی، قبسات من فضائل امیر المؤمنین، ص ۲۸-۲۳/ ابن المغازلی، مناقب أهل البيت، ص ۱۶۹-۱۶۶/ الرضی الرضوی، علی إمامنا و إمامکم أبو بکر، ص ۱۲۷-۱۲۶/ ابن عقدة، فضائل امیر المؤمنین، ص ۷۶-۷۵/ ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۵۲.

۵- تقسیم کننده بهشت و دوزخ

إِذَا كُنْتَ لِلنَّيْرَانِ فِي الْحَشْرِ قَاسِمًا أَطَعْتَ الْهَوَى وَالْغَيَّ غَيْرَ مُحَاذِرٍ

ترجمه: اگر در روز محشر، تو قسمت کننده دوزخ باشی، من بدون هیچ هراسی از هوس و گمراهی فرمان می برم.

بَلْ أَنْتَ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَاكِمٌ فِي الْعَالَمِينَ وَشَافِعٌ وَمُشَفِّعٌ

ترجمه: بلکه تو در روز قیامت (به اذن خدا) در میان جهانیان داوری می کنی و شفیع هستی و شفاعت تو مورد قبول درگاه الهی است.

وَالِيهِ فِي يَوْمِ الْمَعَادِ حِسَابُنَا وَهُوَ الْمَالِدُ لَنَا عَدَاً وَ الْمَفْرَعُ

ترجمه: در روز معاد، حساب رسی ما با اوست؛ و فردای قیامت، او پناهگاه و فریادرس ماست. در این ابیات، علی (ع) به عنوان تقسیم کننده بهشت و جهنم معرفی شده است و علت وضع این لقب برای امام علی (ع)، در حدیث ذیل بیان گردیده است:

علامه مجلسی به سند خود از مفضل بن عمر نقل می کند که گفت: از امام صادق (ع) پرسیدم: به چه دلیل امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) تقسیم کننده بهشت و دوزخ است؟ امام در پاسخ او فرمود: برای اینکه دوستی آن حضرت ایمان، و دشمنی او کفر است و بهشت برای اهل ایمان و دوزخ برای اهل کفر آفریده شده است. پس آن حضرت به این علت تقسیم کننده بهشت و دوزخ است زیرا فقط دوستان علی وارد بهشت می شود و تنها دشمنان او وارد جهنم می شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۳۹، ۱۹۴)

همچنین از عبایه بن ربیع نقل شده که می گوید: از امام علی (ع) شنیدم که می فرمود: "من تقسیم کننده بهشت و جهنم هستم و به جهنم می گویم: این شخص دوستان من است آن را رها کن، و این شخص دشمن است پس آن را بگیر. (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۷، ق، ۱۸۰/۲)

همان گونه که از روایات فوق درمی یابیم، اختیار تقسیم با علی (ع) است و اوست که به جهنم می گوید چه کسی را بگیرد و چه کسی را رها کند. پس امام علی (ع) خودش معیار قسمت و ملاک و میزان بهشتی بودن است و هر کس تا زمانی بهشتی است که از راه امام علی (ع) منحرف نباشد.

۶- حب علی (ع) و نتایج آن

لَقَدْ فَازَ عَبْدٌ لِلْوَصِيِّ وَلَاؤُهُ وَلَوْ سَابَهُ بِالْمُؤَبِقَاتِ الْكِبَائِرِ

ترجمه: هر بنده ای که دوستانداری وصی پیامبر باشد رستگار است، هر چند که این دوستی را با گناهان بزرگ هلاک کننده آلوده کند.

وَإِنْ دَخَرَ الْأَقْوَامُ نُسُكَ عِبَادَةٍ فَحُبُّكَ أَوْفَى عُنْتِي وَدَخَائِرِي

ترجمه: اگر مردم به اندوختن عبادت ها بپردازند، کامل ترین توشه و اندوخته من، محبت توست.

إِنْ كَانَ دِينُ مُحَمَّدٍ فِيهِ الْهُدَى حَقًّا فَحُبُّكَ بَابُهُ وَالْمَدْحَلُ

ترجمه: اگر دین محمد به حق، دین هدایت است، دوستی تو دروازه آن و راه داخل شدن در آن است. همان گونه که کاملاً نمایان است، این ابیات به محبت و دوستداری علی (ع) اشاره دارد. در مورد حبّ علی (ع) و نتایج آن، روایات بسیار فراوانی وجود دارد که حتّی راوی برخی از آنها کسانی هستند که با امام علی (ع) به خصومت می پرداختند. اینک به چند نمونه از این روایات اشاره می کنیم.

۱- عُمر بن الخطّاب اعتراف می کند به اینکه از پیامبر شنیده که می فرمود: اگر مردم به دور محور حبّ علی بن ابی طالب جمع می شدند، خدا آتش را نمی آفرید. (قندوزی، ۴۲۲، ق، ۲/۲۹۰)

۲- ام سلمه روایت کرده از رسول خدا شنیدم که به امام علی می فرمود: فقط انسان مؤمن تو را دوست می دارد و تنها فرد منافق تو را دشمن می دارد. (احمد بن حنبل، ۴۲۹، ق، ۱۵۵)

۳- سلمان می گوید: از رسول خدا شنیدم که به امام علی (ع) می فرمود: ای علی؛ مثل تو در بین مردم مثل سوره توحید است که هرکس يك بار آن را بخواند گویا يك سوم قرآن را قرائت کرده است و اگر کسی دو بار سوره توحید را بخواند دو سوم قرآن را قرائت کرده است و اگر کسی سه بار سوره توحید را بخواند گویا تمام قرآن را قرائت کرده، تو نیز چنین هستی: هرکس که تو را با قلب خویش دوست بدارد يك سوم ایمان را داراست، و اگر با قلب و زبانش تو را دوست بدارد دو سوم ایمان در او جمع است و اگر با قلب و زبانش تو را دوست بدارد و با دستش تو را یاری کند تمام ایمان را داراست. به آن خدایی که مرا به حق به رسالت مبعوث کرد سوگند می خورم که اگر اهل زمین تو را همچون اهل آسمان دوست بدارند خداوند احدی از آنها را به آتش عذابش معذب نخواهد کرد. (مجلسی، ۴۰۳، ق، ۳۹، ۲۵۸).

۴- ابو حمزه ثُمّالی از امام باقر و آن حضرت از پدرانش نقل کرد که رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: هرگاه محبت و دوستی تو در دل مؤمنی قرار گیرد باعث می شود اگر يك قدمش بر صراط بلغزد، قدم دیگرش ثابت بماند تا اینکه خداوند او را به سبب محبت تو، وارد بهشت کند. (صدوق، فضایل الشیعة ۱۳۸۴ ش، ۲۶-۲۵)

۵- عبد الله بن عُمر گفت: از رسول خدا درباره علی بن ابی طالب (به طور تحقیر آمیزی) سؤال کردیم. آن حضرت خشمگین شد و فرمود: چرا عده ای به بدی یاد می کنند از کسی که مقام و منزلتش نزد خدا، همچون مقام و منزلت من است؟!

آگاه باشید هرکس علی را دوست بدارد، مرا دوست می دارد و هرکس مرا دوست بدارد خداوند از او راضی است و هرکس خدا از او راضی باشد، پاداشش را بهشت قرار می دهد. بدانید هرکس علی را دوست بدارد از دنیا نمی رود مگر اینکه از حوض کوثر بنوشد و از درخت طوبی بخورد و جایگاه خود را در بهشت ببیند. آگاه باشید

هرکس علی را دوست بدارد نماز و روزه و شب زنده داری اش پذیرفته می شود و دعایش مستجاب می گردد. بدانید هرکس علی را دوست بدارد فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند و درهای هشت گانه بهشت بر او گشوده می شود تا از هر دری که بخواهد، بدون حساب وارد شود. آگاه باشید هرکس علی را دوست بدارد خداوند نامه عملش را به دست راستش می دهد و به حساب او همچون حساب پیامبران رسیدگی می کند. بدانید هرکس علی را دوست بدارد خداوند شدت و سختی جان دادن را بر او آسان می کند و قبرش را باغی از باغهای بهشت قرار می دهد. آگاه باشید هرکس علی را دوست بدارد خداوند به تعداد رگهای بدنش از حوری های بهشت به او می بخشد و در مورد هشتاد نفر از اقوام و خویشانش شفاعت می کند و به تعداد موهای بدنش از حوریان بهشتی و از شهرهای بهشت برخوردار می شود. بدانید هرکس علی را دوست بدارد خداوند عزرائیل را برای قبض روح او آن گونه می فرستد که برای پیامبران فرستاده می شود، و ترس از نکیر و منکر را از او برمی دارد و رویش را سفید می کند، و او با حمزه سید الشهداء همنشین خواهد بود.

آگاه باشید هرکس علی را دوست بدارد خداوند، حکمت را در قلبش ثابت می کند و سخن درست را بر زبانش جاری می سازد و درهای رحمت را به رویش می گشاید. بدانید هرکس علی را دوست بدارد در آسمانها به عنوان اسیر خدا در زمین نامیده می شود. آگاه باشید هرکس علی را دوست بدارد فرشته ای از زیر عرش او را چنین ندا می دهد: "ای بنده خدا، عمل به فرامین الهی را از نو آغاز کن؛ زیرا خدا تمام گناهانت را آمرزیده است". بدانید هرکس علی را دوست دارد، روز قیامت در حالی (به صحرای محشر) می آید که صورتش همچون ماه شب چهارده می درخشد. آگاه باشید هرکس علی را دوست بدارد بر سرش تاج پادشاهی گذاشته می شود و لباس کرامت و بزرگواری بر او پوشانده می شود. بدانید هرکس علی را دوست بدارد، خداوند برای او دوری از آتش جهنم، و جواز عبور از صراط، و آمان از عذاب دوزخ را می نویسد. بدانید هرکس علی را دوست بدارد، برای او نامه عملش گشوده نخواهد شد و کردارش سنجیده نمی شود و به او گفته می شود: بدون حساب به بهشت وارد شو. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹، ۲۷۷)

۶- ابن عباس از پیامبر نقل کرده: دوست داشتن علی بن ابی طالب، گناهان را از بین می برد همان طور که آتش، هیزم را نابود می کند. (همان، ۳۰۴)

۷- دروازه شهر علم بودن، و بیان علم غیب ایشان

عَلَامُ أَسْرَارِ الْغُيُوبِ وَمَنْ لَهُ خُلِقَ الزَّمَانُ وَدَارَتِ الْأَفْلاكُ

ترجمه: دانای رازهای نهان است و کسی است که زمان برای او آفریده شده و افلاک برای او به گردش درآمده اند.

عِلْمُ الْغُيُوبِ إِلَيْهِ غَيْرُ مَدَافِعٍ وَالصُّبْحُ أبيضٌ مُسْفِرٌ لَا يُدْفَعُ

ترجمه: علم غیب، بدون هیچ خلاقی، در نزد اوست؛ همانطور که صبح، سفید و تابان است و نمی توان آن را از تابیدن بازداشت.

وَعُلُومٌ غَيْبٍ لَا تُنَالُ وَحِكْمَةٌ فَصْلٌ وَحُكْمٌ فِي الْقَضِيَّةِ فَيَصِلُ

ترجمه: و دانش های غیبی که کسی به آن ها دسترسی ندارد و حکمتی قاطع و قضاوتی جدا کننده حق از باطل.

و وَاَرِثَ عِلْمَ الْمُصْطَفَى وَشَقِيقَهُ أَخَاً وَنَظِيرًا فِي الْعُلَى وَالْأَوَاصِرِ

ترجمه: او وارث علم پیامبر، و برادر او و همانندش از نظر بلندی قدر و خویشاوندی است.

أَلَا إِنَّمَا التَّوْحِيدُ لَوْلَا عُلُومُهُ كَعُرْضَةِ ضَلِيلٍ وَنَهْبَةِ كَافِرٍ

ترجمه: بدان که اگر دانش های او نمی بود، یکتا پرستی دستخوش شبهه گمراهان و غارت کافران می شد.

فِيكَ الْإِمَامُ الْمَرْتَضَى فِيكَ الْوَصِيُّ الْمُجْتَبَى فِيكَ الْبَطِينُ الْأَنْزَعُ

ترجمه: درون تو (ای خاك نجف) امام علی (ع) مدفون است، همان وصی برگزیده رسول خدا، و آن دل از باطل بریده و سرشار از دانش.

در ابیات فوق، به دانش های فراوان و علوم غیبی امام علی (ع) اشاره شده است. از جمله روایاتی که مؤید این مطلب است، حدیث امام صادق (ع) است: "عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ (ع) يَعْلَمُ كُلَّ مَا يَعْلَمُ رَسُولُ اللَّهِ، وَلَمْ يُعْلَمْ اللَّهُ رَسُولُهُ شَيْئاً إِلَّا وَقَدْ عَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع)".

یعنی: امام صادق (ع) فرمود: آنچه که رسول خدا می دانست علی نیز می دانست و هرچه را که خدا به پیامبرش تعلیم داده بود، پیامبر نیز به امیر مؤمنان تعلیم داده بود. (همان، ۴۰۳، ۱۴۰۳، ق، ۴۰، ۲۰۹)

در کتاب "شواهد التنزیل" در ذیل آیه ۴۳ سوره رعد "قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ" (یعنی: بگو همین کافی است که خدا و کسی که علم کتاب و آگاهی از قرآن نزد اوست، میان من و شما گواه باشند) روایات متعددی از روایان مختلف بیان شده و همگی مؤید این است که مقصود از این آیه، امام علی (ع) است. به عنوان مثال، می توان به این حدیث اشاره نمود: ابو سعید خدری گفت: از رسول خدا درباره این سخن خدای متعال سؤال کردم که می فرماید: (و کسی که علم کتاب در نزد اوست). پیامبر فرمودند: آن، برادرم علی بن ابی طالب است. (حسکانی، ۱۳۹۳، ق، ۱/۳۰۷)

همچنین در کتاب مذکور، در ذیل آیه ۴۳ سوره نحل " وما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ " یعنی: (ما پیش از تو جز مردانی که به آنها وحی می کردیم نفرستادیم، اگر نمی دانید از آگاهان بپرسید) درباره علم امام علی (ع) آمده است: عَنِ السَّيِّدِيِّ عَنِ الْحَارِثِ قَالَ: سَأَلْتُ عَلِيًّا عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: "فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ" قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّا لَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ، نَحْنُ أَهْلُ الْعِلْمِ، وَنَحْنُ مَعْدِنُ النَّوِيلِ وَالتَّنْزِيلِ، وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهِ مِنْ بَابِهِ.

یعنی: سدی از حارث نقل کرده؛ از علی (ع) درباره این آیه پرسیدم "از آگاهان بپرسید". وی فرمود: به خدا سوگند که ما اهل ذکر هستیم، ما اهل علم هستیم، ما معدن تأویل و تنزیل هستیم. و از رسول خدا شنیده ام که می فرمود: من شهر علم هستم و علی دروازه آن است. پس هرکس علم بخواهد باید از دروازه آن وارد شود. (همان، ۱۳۹۳ق، ۱/۳۳۴)

۸- عِلَّتْ آفْرِينِش هَسْتِي، اوست.

وَيَا عِلَّةَ الدُّنْيَا وَمَنْ بَدَأَ خَلْقَهَا لَهُ وَسَيَتَلَوُ الْبَدَأَ فِي الْحَشْرِ تَعْقِيبُ

ترجمه: ای سبب آفرینش جهان وای کسی که آغاز آفرینش دنیا به خاطر اوست وای مایه پدید آمدن روز حشر پس از آفرینش نخستین.

لَوْلَاكَ مَا خُلِقَ الزَّمَانُ وَلَا دُجِيَ غَبَّ ابْتِلَاجِ الْفَجْرِ لَيْلُ اللَّيْلِ

ترجمه: اگر تو نبودی نه زمان آفریده می شد و نه در پی تاریکی شب تار، دمیدن سپیده صبح بود.

وَاللَّهِ لَوْلَا حَيْدَرٌ مَا كَانَتْ الدُّ ... نِيَا وَلَا جَمَعَ الْبَرِّيَّةَ مَجْمَعُ

ترجمه: به خدا سوگند اگر حیدر نبود، دنیا خلق نمی شد و هیچ مکانی مردم جهان را گرد خود جمع نمی کرد.

مِنْ أَجْلِهِ خُلِقَ الزَّمَانُ وَضُوئَتْ شُهْبُ كَنْسَنَ وَجَنَّ لَيْلُ أَدْرَعُ

ترجمه: به خاطر اوست که زمان آفریده شده و ستارگان می درخشند و پنهان می شوند و شب تاریک می شود و به روز می پیوندد.

هَذَا ضَمِيرُ الْعَالَمِ الْمَوْجُودِ عَنْ عَدَمٍ وَسِرُّ وُجُودِهِ الْمُسْتَوْدَعُ

ترجمه: علی (ع) راز عالم پدید آمده از عدم است و دل او ودیعه گاه راز وجود جهان است.

این ابیات، انگیزه آفرینش هستی و منظور خلقت را علی (ع) معرفی کرده است؛ همچنانکه عبد الله بن مسعود از قول پیامبر (ص) نقل کرده که ایشان فرمودند: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ، عَطَسَ آدَمُ. فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ.

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: حَمِدْتَنِي عَبْدِي. وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَوْلَا عَبْدَانِ أُرِيدُ أَنْ أُخْلِقَهُمَا فِي دَارِ الدُّنْيَا مَا خَلَقْتُكَ. قَالَ: إِلَهِي! فَيَكُونَانِ مِنِّي؟ قَالَ: نَعَمْ، يَا آدَمُ ارْفَعْ رَأْسَكَ وَانظُرْ. فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْعَرْشِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ، وَعَلِيٌّ مُقِيمُ الْحُجَّةِ، مَنْ عَرَفَ حَقَّ عَلِيٍّ زَكَ وَطَهَّرَ، وَمَنْ أَنْكَرَ حَقَّهُ لَعِنَ وَخَابَ؛ أَقْسَمْتُ بِعِزَّتِي أَنْ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَنْ أَطَاعَهُ وَإِنْ عَصَانِي، وَأُقْسِمُ بِعِزَّتِي أَنْ أُدْخِلَ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَإِنْ أَطَاعَنِي.

ترجمه حدیث: هنگامی که خدا آدم (ع) را آفرید و از روح خویش در او دمید، حضرت آدم (ع) عطسه کرد و گفت: "الحمد لله". خداوند به او وحی نمود که: ای بنده من! سیاستگزاری مرا نمودی. سوگند به عزت و شکوهم، اگر نمی خواستم دو بنده را در دنیا خلق کنم، تو را نمی آفریدم. آدم گفت: خدایا آنان از من هستند؟ فرمود: آری سرت را بلند کن. سپس آدم سرش را بالا برد و دید که بر عرش چنین نوشته: معبودی جز خدای یگانه سزاوار پرستش نیست، رسول الله پیامبر رحمت و علی اقامه کننده حجت است. هرکس حق علی (ع) را شناسد، پاک و طاهر می گردد؛ و کسی که حقش را نپذیرد رانده و زیان کار می شود. سوگند به عزتم یاد کرده ام کسی را که اطاعتش کند به بهشت وارد کنم، اگرچه نافرمانی مرا کرده باشد؛ و سوگند به عزتم یاد می کنم هرکسی را که از فرمان او سرپیچی کند داخل دوزخ نمایم، اگرچه مرا اطاعت کرده باشد. (ابن شاذان، ۴۲۲ ق، ۱۰۹)

۹- ذکر ولایت امام علی (ع) در قرآن

وَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى الْوَرَى
نَصًّا بِهِ نَطَقَ الْكِتَابُ الْمُنَزَّلُ

ترجمه: و بگو: سلام بر تو ای مولا و سرور جهانیان؛ ای که کتاب نازل شده الهی بر ولایت تو آشکارا تأکید نموده.

این بیت به ذکر ولایت امام علی (ع) در قرآن اشاره می نماید. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ" یعنی: ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آوردند؛ همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. (المائدة، ۵۵). در شواهد التنزیل، چهارده روایت ذکر شده که همگی بیانگر این است که مقصود از "الَّذِينَ آمَنُوا..." در این آیه، امام علی بن ابی طالب (ع) است. به عنوان مثال، در روایتی چنین آمده است: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا" قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

ترجمه روایت: از ابن عباس درباره این آیه سؤال شد: "ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند". گفت: این آیه در شأن علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است. (حسکانی، ۱۳۹۳ ق، ۱/۱۶۱)

بیت مذکور به آیه تبلیغ نیز اشاره دارد. در سال دهم هجری پیامبر (ص) مأمور شد که به سوی مکه رهسپار گردد و در ماه ذی الحجة در ضمن به جای آوردن اعمال حج، آخرین آداب و احکام مربوط به آن را به مسلمانان آموزش دهد. این حج را چون آخرین حج پیامبر بود، حجة الوداع نامیده اند. بعد از اتمام مناسک حج، روز هجدهم ذی الحجة پیامبر و همراهانش به ناحیه غدیر خم رسیدند. در این هنگام جبرئیل بر پیامبر نازل گردید و این آیه را که به نام آیه تبلیغ مشهور است، آورد که: "يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ..." یعنی: ای پیامبر آنچه را که از پروردگارت بر تو نازل شده به مردم برسان، و اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده ای. (المائدة، ۶۷). پس از نزول آیه، پیامبر فرمان داد تا کاروانیان از حرکت باز ایستند. سپس خطبه ای ایراد فرمود و با دست گرفتن دست امام علی (ع) و بلند کردن آن، او را جانشین خود و امام مردم قرار داد و فرمود: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ". چون خطبه حضرت به پایان رسید، پیش از آنکه مردم متفرق شوند این آیه که مشهور به آیه اكمال است نازل شد: "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا" یعنی: امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم (المائدة، ۳)

ابن مسعود صحابی پیامبر (ص) اظهار داشته که: زمان پیامبر، آیه را این طور می خواندیم (ای پیامبر آنچه را از پروردگارت بر تو نازل شده، یعنی اینکه علی مولاى مؤمنان است، این مطلب را به مردم برسان، و اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده ای، و خداوند تو را از شرّ آزار مردم محفوظ خواهد داشت. (ایجی، ۱۷۳، ۱۴۲۸ق، ۱۷۳)

لازم به ذکر است که در کتاب های مختلفی که دانشمندان اهل تسنن، اعم از تفسیر و حدیث و تاریخ نوشته اند، روایات زیادی دیده می شود که با صراحت می گوید: آیه تبلیغ در باره علی (ع) نازل شده است. این روایات را جمع زیادی از صحابه از جمله زید بن أرقم، ابو سعید خدری، ابن عباس، جابر بن عبد الله انصاری، ابو هریره، براء بن عازب، حذیفه، عامر بن لیلی بن ضمرة، و ابن مسعود نقل کرده اند و همگی گفته اند که آیه فوق درباره علی (ع) و داستان روز غدیر نازل گردید. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۵۶ش، ۵-۶/۵)

۱۰- صعود علی (ع) بر شانه های پیامبر (ص) برای شکستن بت ها

رُقَيْبٌ بِأَسْمَى غَارِبٍ أَحْدَقَتْ بِهِ
مَلَانِكُ يَتْلُونَ الْكِتَابَ الْمُسَطَّرَا
بِغَارِبِ خَيْرِ الْمُرْسَلِينَ وَأَشْرَفِ الْ...
... أَنَامِ وَأَزْكَى نَاعِلٍ وَطَى الثَّرَى

ترجمه: بر بالای والاترین شانه رفتی که فرشتگانی آن را در میان گرفته بودند و آیات کتاب خدا را تلاوت می نمودند. شانه های بهترین فرستاده شدگان و شریف ترین مردمان و پاکترین روندگان بر روی زمین.

ويا قَدَمِيهِ أَي قُدُسٍ وَطَنُثُمَا وَأَي مَقَامٍ قُمْتُمَا فِيهِ أُنُورًا

ترجمه: ای پاهای علی! بر چه مکان مقدسی گام نهادید و در چه جایگاهی نورانی ایستادید!

این ابیات، صعود حضرت علی (ع) بر شانه های حضرت رسول (ص) برای شکستن بت ها را نشان می دهد. حاکم حسکانی از علمای اهل سنت در قرن پنجم هجری، در ذیل آیه "وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا" یعنی: "وبگو حق آمد و باطل از میان رفت و بی گمان باطل نابود شدنی است" (الإسراء، ۸۱)، روایت ذیل را آورده است:

ابو هریره گفت: جابر بن عبد الله انصاری به من گفت: همراه پیامبر وارد مکه شدیم و در کعبه و اطراف آن سیصد و شصت بت بود که به جای خدا آنها را عبادت می کردند. پیامبر فرمان سرنگونی آنها را صادر فرمود و همه آنها سرنگون شدند، و روی کعبه بت درازی به نام هُبَل وجود داشت. رسول خدا به امیر مؤمنان نگاه کرد و گفت: ای علی! یا تو بر دوش من سوار شو یا من بر دوش تو سوار شوم تا هبل را از کعبه بردارم. (امام علی گفت) به او گفتم ای رسول خدا تو سوار شو و چون پیامبر بر پشت من نشست به خاطر سنگینی رسالت نتوانستم او را حمل کنم و گفتم: ای رسول خدا بگذار من سوار شوم. پیامبر خندید و پایین آمد و پشت خود را برای سوار شدن من فرود آورد و من بر آن قرار گرفتم. سوگند به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر می خواستم آسمان را با دستانم لمس کنم می توانستم. آنگاه هبل را از پشت کعبه انداختم و خداوند این آیه را نازل فرمود: "وبگو حق آمد" منظور از گفتن حق، این سخن است: هیچ معبودی جز خدای یگانه، قابل ستایش نیست، محمد فرستاده خداست. "باطل نابود شد. بی شك باطل نابود شدنی است". سپس وارد کعبه شد و دو رکعت نماز خواند (حسکانی، ۱۳۹۳ق، ۳۵۰/۱)

۱۱ - ماجرای لیلۃ المَبیت

ولا كان يَوْمَ الْغَارِ يَهْفُو جَنَانُهُ جَذاراً ولا يَوْمَ الْعَرِيشِ تَسْتَرَا

ترجمه: او در روز رفتن پیامبر به غار ثور و به هنگام هجرت پیامبر، قلبش از بیم نمی ترسید و به تپش نمی افتاد و در جنگ بدر، خود را از دشمن پنهان نمی ساخت.

این بیت، ناظر به این آیه مبارکه است: "إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ". یعنی اگر پیامبر را یاری ندهید بدانید که خداوند او را هنگامی که کافران وی را از مکه بیرون کردند، یاری داد، در حالی که دومین نفر بود (ویک نفر همراه او بیش نبود). آن گاه که یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همسفر خود گفت: "غم مخور. خدا با ماست". آن گاه خداوند آرامش خویش را بر او نازل کرد و با لشکرهایی که نمی دیدشان، وی را تقویت نمود و گفتار و هدف و آرمان کافران را پست و پایین قرار داد (و آنها را با شکست مواجه ساخت)، و سخن خدا و آرمان الهی پیروز و بالاتر است و خدا پیروزمند فرزانه است. (التوبة، ۴۰). در واقع، توطئه خطرناک مشرکان برای کشتن پیامبر اسلام (ص) و موضوع لیلۃ المَبیت را بیان می کند.

در جریان لیلۃ المَبیت، از هر قبیله ای، شخصی نماینده شد و همگی تصمیم گرفتند شبانه پیامبر را به قتل برسانند. در شب موعود، علی بن ابی طالب به جای پیامبر خوابید و حاضر به جان فشانی و فداکاری شد، و پیامبر شبانه به سوی غار ثور رفت. مشرکان در تعقیب پیامبر، تا کنار غار آمدند، ولی با دیدن تار عنکبوت که به خواست خدا بر غار تنیده شده بود، مطمئن شدند که کسی به درون غار نرفته است، و برگشتند.

آیه مبارکه "وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ" نیز به خوابیدن امام علی (ع) در بستر پیامبر اشاره می نماید. ترجمه آیه چنین است: "وا از مردمان کسی هست که در راه رضای خدا، از جان خود در گذرد" (البقرة، ۲۰۷)

در تفسیر آیه مبارکه فوق، در ینابیع الموده از امام سجاد (ع) چنین روایت آمده است: "إن أول من شری نفسه ابتغاءَ مَرْضاةِ اللَّهِ علي بنُ أبي طالبٍ" یعنی: اولین کسی که در راه رضای خدا حاضر شد جان دهد، بی گمان علی بن ابی طالب است. (قندوزی، ۴۲۲، ۱/۲۷۳).

۱۲ - عرش الهی به وجود امام علی (ع) افتخار می کند

بِحَيْثُ أَفَاءَتْ سِدْرَةَ الْعَرْشِ ظِلَّهَا

بِضَوْحِيهِ فَاعْتَدْتُ بِذَلِكَ مَفْخَرًا

وَحَيْثُ الْوَمِيضُ الشَّعْشَعَانِيُّ فَائِضٌ

مَنْ الْمَصْدَرُ الْأَعْلَى تَبَارَكَ مَصْدَرًا

ترجمه: در آنجا که سدره المنتهی (در شب معراج) بر دو جانب او سایه افکنده بود و از آن برخوردار می بالید. و جایی که نوری تابناک از منبع نور برتر و مبارک الهی، بر آن درخشید.

اسعد بن زراره از حضرت رسول (ص) نقل کرده که ایشان فرمودند: "انْتَهَيْتُ لَيْلَةً أُسْرِي بِي إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى فَأَوْحِيَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ ثَلَاثٌ: أَنَّهُ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَسَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَقَائِدُ الْغَزْرِ الْمُحْجَلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ". یعنی: در آن شبی که به معراج وسیر آسمان ها می رفتم، به سدره المنتهی رسیدم. در آن جا خداوند درباره علی (ع)، این سه مطلب را به من وحی نمود: ۱- علی پیشوای متقیان است ۲- علی آقای مسلمانان است ۳- علی راهنمای سپید رویان به بهشت است. (ابن المغازلی، ۴۲۷، ق، ۱۷۵)

درباره تفسیر آیه "وترى الملائكة حافين من حول العرش" یعنی "فرشتگان را می بینی در حالی که گرداگرد عرش الهی را گرفته اند (الزمر، ۷۵)، از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمودند: " لما كانت ليلة المعراج، نظرت تحت العرش أمامي. فاذا بعلي بن أبي طالب قائما أمامي تحت العرش يسبح الله ويقده، قلت: يا جبرئيل: سبقني علي بن أبي طالب؟ قال لا، لكني اخبرك: اعلم يا محمد أن الله عز وجل يكثر من الثناء والصلاة على علي بن أبي طالب (ع) فوق عرشه. فاشتاقت العرش الى علي بن أبي طالب (ع) فخلق الله تعالى هذا الملك على صورة علي بن أبي طالب (ع) تحت عرشه لينظر اليه العرش فيسكن شوقه، وجعل تسبيح هذا الملك وتقديسه وتمجيده ثواباً لشيعة أهل بيتك يا محمد".

ترجمه حدیث: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: شبی که به معراج رفتم، به زیر عرش نگاه کردم. ناگهان دیدم که علی بن ابی طالب (ع) روبروی من در زیر عرش ایستاده و خدا را تسبیح و تقدیس می کند. گفتم: ای جبرئیل: آیا علی بن ابی طالب بر من سبقت جسته است؟ جبرئیل گفت: نه، اما تو را از حقیقت مطلب، آگاه می کنم. بدان ای محمد که خدا در بالای عرش خود، بر علی بن ابی طالب بسیار درود و ثنا می فرستد، لذا عرش مشتاق علی بن ابی طالب گردید. خداوند این فرشته را به صورت علی بن ابی طالب (ع) در زیر عرش خود خلق کرد تا عرش به او نگاه کند و اشتیاقش ساکن و آرام شود؛ و تسبیح و تقدیس این فرشته را ثواب برای شیعیان اهل بیت تو قرار داد. (ابن شهر آشوب، ۴۲۷، ق، ۲/۲۶۶).

نتیجه گیری

از بررسی اشعار و قصاید علویات سبع، چنین برمی آید که ابن ابی الحدید سعی بر آن داشته که به زیبایی هرچه تمام تر فضایل و مناقب امام علی بن ابی طالب (ع) را بیان کند. البته با استناد به روایاتی در خصوص بی شمار بودن فضایل امام علی (ع)، به عجز خویش در بیان تمامی فضایل امام علی (ع) اعتراف می نماید.

از میان فضایل و مناقب امام علی (ع) که ابن ابی الحدید در نظم خود به خوبی به تصویر کشیده، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- فضایل امام علی (ع) بی شمار است.
- ۲- پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) از يك نور آفریده شده اند.
- ۳- امام علی از انبیاء حتی پیامبران اولو العزم به جز حضرت محمد (ص)، برتر است.
- ۴- خورشید به خاطر وی بازگشت نموده است.
- ۵- او تقسیم کننده بهشت و جهنم است.
- ۶- دوست داشتن او باعث نجات است.
- ۷- دروازه شهر علم است و علم غیب دارد.
- ۸- علت آفرینش هستی است.
- ۹- ولایت وی در قرآن ذکر شده است.
- ۱۰- برای شکستن بت ها، بر شانه های پیامبر بالا رفته است.
- ۱۱- در ماجرای لیلۃ المبیت، او در بستر پیامبر خوابید.
- ۱۲- عرش الهی به وجود امام علی (ع) افتخار می کند.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغة، به کوشش محمد أبو الفضل إبراهیم، قاهرة، ۱۳۸۵ق.
- ۳- ابن حنبل، أحمد، فضائل أهل البيت (ع) من کتاب فضائل الصحابة، به کوشش محمد کاظم المحمودی، طهران، ۱۴۲۹ق.
- ۴- ابن شاذان، محمد بن أحمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين علی بن أبي طالب والأئمة من ولده، قم، ۱۴۲۲ق.
- ۵- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، به کوشش یوسف البقاعی، قم، ۱۴۲۷ق.
- ۶- ابن کثیر، اسماعیل، البداية والنهاية، به کوشش علی شیری، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ۷- ابن المغازلی، علی بن محمد، مناقب أهل البيت، به کوشش محمد کاظم المحمودی، طهران، ۱۴۲۷ق.

- ٨- ايجي، أحمد، فضائل الثقلين من كتاب توضيح الدلائل على ترجيح الفضائل، به كوشش حسين الحسنی البيرجندی، طهران، ١٤٢٨ق.
- ٩- برسی، رجب، مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين، قم، ١٤٢٧ق.
- ١٠- حسانى، عبد الله بن أحمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النّازلة في أهل البيت، به كوشش محمد باقر المحمودي بيروت، ١٣٩٣ق.
- ١١- صدوق، محمد بن عليّ، الأمل، قم، ١٣٨٤ش.
- ١٢- —، فضائل الشيعة، تهران، ١٣٨٤ش.
- ١٣- قراچه داغی، محمد علي بن أحمد، اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء، قم، ١٤٢٤ق.
- ١٤- قندوزي، سليمان بن إبراهيم، ينابيع المودة لنوي القري، به كوشش سيد علي جمال أشرف الحسيني، قم، ١٤٢٢ق.
- ١٥- كراچكي، محمد بن علي، الرسالة العلوية في فضل أمير المؤمنين على سائر البرية، به كوشش السيد عبد العزيز الكريمي، قم، ١٤٢٧ق.
- ١٦- مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، ١٤٠٣ق.
- ١٧- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، بی جا، ١٣٧٧ق.
- ١٨- مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه ج ٥، تهران، ١٣٥٦ش.
- ١٩- نسائي، أحمد بن شعيب، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)، به كوشش السيد جعفر الحسيني، قم، ١٤١٩ق.